

یادداشت

## تأملی در نبردها و ازدواج‌های پیامبر(ص)

آنچه با عنوان جنگ‌های پیامبر(ص) و چندهمسری ایشان مطرح می‌شود، شبهات نادرستی است که مخالفان ناساز و مسلمانان کم‌اطلاع درباره شخصیت والای پیامبر(ص) بر زبان می‌آورند.

تاریخ: ۳۰ آبان ۱۴۰۰ - ۲۹:۱۵

کد خبر: ۴۰۰۷۹۱۴



به گزارش ایکننا از اصفهان، در یادداشتی به قلم حجت‌الاسلام محمد سلطانی، عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان در پاسخ به شبهات مربوط به نبردها و ازدواج‌های پیامبر اسلام(ص) آمده است: «شخصیت والای پیامبر اکرم، محمد مصطفی(ص) از جوانب گوناگون مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته و بسیار آثار علمی و عمومی درباره آن آفتاب جهان‌تاب تدوین و انتشار یافته است. آنچه بنده را واداشت که این چند سطر را درباره پیامبر والامر تبیین بنویسم، دو نکته

است که همواره به‌عنوان اعتراض و ابهام درباره پیامبر(ص) طرح می‌شود؛ چه در گفته و نوشته مخالفان ناساز و چه حتی مسلمان کم‌اطلاع. نخست درباره آنچه که جنگ‌های پیامبر(ص) نامیده می‌شود؛ بدر، احد، خندق، فتح مکه و هوازن. و دیگری درباره همسران پیامبر(ص) که شمار آنها را ۹ و ۱۳ نفر و چه بسا بیشتر می‌گویند.

### «جنگ» یا «نبرد»

برمی‌شمرند: ۲۵ غزوه، ۳۸ سریه. عنوان می‌کنند: جنگ بدر، جنگ احد، جنگ احزاب و... چه بسا پیامبر اکرم(ص) را به جنگ‌های پرشمار معرفی کنند و دین محمدی را دین شمشیر نام نهند. این پندار را نقش پرچم عربستان تقویت می‌کند و چه پیام نادرست و تصویر پلشتی دارد این پرچم! شمشیری از نیام‌برون بر روی کلمه توحید: «لا اله الا الله»، گویی می‌خواهد به جهانیان بگوید: این کلمه به شمشیر آمده، چیره شده و بر صدر نشسته! یا اینکه هر کس این کلمه را نپذیرد، سروکارش با شمشیر است و سری قطع شده و خون‌افشان!

محمد مصطفی(ص) ۲۳ سال پیام‌آور حق بود، ۱۳ سال در مکه و ۱۰ سال در مدینه. در مکه هیچ برخورد خشونت‌باری با کسی نداشت؛ حتی آن‌گاه که یاران بی‌دفاعش، جناب یاسر و بانو سمیه، به شکنجه شهید شدند، دست به شمشیر نبرد، نه او و نه یاران اندک‌شمارش. در مدینه و پس از هجرت، پیامبر اکرم(ص) یارانی یافت که بتواند از جان و مال و سرای خویش دفاع کند. انصار مدنی همراه با مهاجران مکی نیرویی

دفاعی تشکیل دادند، تا در برابر هجوم مشرکان عرب بایستند و برخوردهای نظامی پیش آمد. نکته مهم آن است که به کار بستن واژه «جنگ» برای این برخوردها نادرست است. واژه‌ها گذشته از معنا، بار معنایی و حوزه دلالتی دارند. واژه جنگ برای یک برخورد نظامی یک یا دو روزه بزرگ است، نمی‌توان رویدادهای ویرانگر چندساله‌ای همانند جنگ اول و دوم بین‌الملل، یا حتی درگیری هشت ساله ایران و عراق را «جنگ» بنامیم و آنچه را در بدر یا احد روی داده نیز «جنگ» بدانیم. مگر در بدر، احد، حنین و به گاه فتح مکه، چند مسلمان شهید و چند مشرک کشته شده‌اند؟!

تاریخ‌نگاران مسلمان کشته‌شدگان از هر دو سو را شمار کرده‌اند؛ در طول 13 سال پیامبری محمد مصطفی(ص) و حکمرانی بر مدینه و بعدتر بر شبه جزیره عربستان، 262 مسلمان شهیده شده‌اند و از آن سو، 1022 مهاجم مشرک نیز کشته شده‌اند؛ در مجموع، 1284 نفر(1). مجموعه برخوردهای نظامی در زمان پیامبر(ص)، اعم از غزوه و سریه را دست‌پُر 63 نفر شمار کرده‌اند. پس به‌طور متوسط در هر برخورد نظامی، از هر دو سو، 20 نفر کشته شده‌اند! از نظر زمانی نیز به‌طور متوسط هر دو ماه یک برخورد نظامی پیش آمده است و اگر تک‌تک بنگریم، رویداد بدر آن بود که پیامبر(ص) و یارانش برای بازپس‌گیری دارایی‌های خویش از مشرکان مکه بر راه آنان آمدند و مشرکان شمشیر کشیدند و کارزار آغاز کردند. سال بعد، رویداد احد، نتیجه هجوم مشرکان مکه به مدینه بود. و احزاب (قبایل گونه‌گون مشرک عرب) بر مدینه گرد آمدند، پیامبر اکرم(ص) با یارانش رایزنی کرد و یار ایرانی‌ش، سلمان، به خندق (کندک) ره نمود، این همه انجام داد تا نبردی شکل نگیرد و خونی بر زمین نریزد و فتح مکه، بازگشت پیامبر(ص) به وطن خویش، پیراستن خانه تو حید از بت و بت‌پرستی، بدون آنکه کسی از هر دو سو شمشیری بکشد یا کشته شود!

ندای فراگیر و قانون اولی در وحی و عقل چنین است: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ؛ سازش بهتر است و آزمندی در جان‌ها آشیان دارد» (نساء، 128)، چه در بگومگویی خانوادگی، چه در کش‌وواکش جناحی، چه در روابط بین‌المللی و حتی در برخورد با دشمنان؛ هزینه‌های صلح بسیار کمتر از جنگ است و البته کم‌خردان و آزمندان و خودخواهان بیشتر طالب جنگ‌اند! پس باید بدانیم و بگوییم و بنویسیم که اسلام دین گفت‌وگو، دعوت و خردمندی است؛ نه شمشیر و خون و آنچه می‌تواند نماد اسلام باشد، شمشیر کشیده‌ای به زیر «لا اله الا الله» نیست، بلکه خانه‌ای چهارگوش است که همه مردمان از هر نژاد و رنگ و زبان گرداگرد آن می‌چرخند.

## پیامبر اکرم(ص) و چند همسری

دیگر موردی که دور و نزدیک، ملحد و مؤمن به ذهن و زبان و قلم آورند، آن است که محمد مصطفی(ص) چندین‌وچند همسر برگزید! آری، تاریخ را بنگریم تا داوری کند! او در 25 سالگی همسری برگزید، بانو خدیجه که در آن زمان به طاهره معروف بود: پاکدامن. تا 50 سالگی در کنار همسر باوفای خویش زیست، سال دهم بعثت و در پی رنج‌های بسیار شعب و حصر مشرکان مکه، بانو خدیجه و البته جناب ابوطالب، دو پشتیبان پیامبر اکرم(ص) از دنیا رفتند. پیامبر(ص) پس از خدیجه، با بانو سوده همسری پذیرفت و تا گاه هجرت به مدینه، با سوده زیست. پس پیامبر اکرم(ص) تا 53 سالگی یک همسر به خانه داشت! ازدواج‌ها و همسران دیگر پیامبر(ص)، همه در مدینه، پس از هجرت، در 10 سال پایانی عمر آن حضرت، از 53 تا 63 سالگی روی داده است!

حال ازدواج با این همسران پرشمار! چگونه روی داده است؟! بنگرید: زنان مسلمانی که همسرانشان فوت کرده یا شهید شدند و به سبب جایگاه خانوادگی یا اجتماعی‌شان، شایسته بود همسر پیامبر(ص) شوند، همانند ام‌حبیبه دختر ابوسفیان، ام‌سلمه دخت ابوامیه و زینب دختر خزیمه. و ازدواج در پی دلجویی؛ دختر عمه پیامبر(ص)، زینب بنت جحش که به وساطت پیامبر(ص) ازدواج با زید بن حارثه را پذیرفته بود و

پس از ناسازگاری و طلاق، پیامبر(ص) وی را به عقد خویش درآورد. ازدواج با دو بانوی تازه‌مسلمان از دو طایفه نامدار یهودی: صفیه دخت حُئی از یهود خیبر، و جویریة دختر حارث از بنی‌مصطلق. هیچ یک از همسران پیامبر(ص) در مدینه از وی فرزندی نیاوردند!

مردی که روز به پیامبری و داوری و زمامداری مردمان است و شب به عبادت و نماز، مردی که تا 50 سالگی با بانو خدیجه زیست و تا پایان عمر نام و یاد خدیجه در دل داشت و می‌گفت: عشق او روزی من شده است، حال آیا پناه دادن به بانویی همانند ام‌حبیبه که در حبشه همسر مسلمان خویش را از دست داده و البته از پدر و برادران مشرکش در بیم است، هوسرانی است؟! آیا ازدواج با خردمندبانویی همچون ام‌سلمه تعددجویی است؟! آیا پذیرش زن پناه‌آورده به خانه پیامبر(ص) همچون حفصه جز مهربانی است؟! و آیا دهه پنجم و ششم زندگی، زمان شیفتگی و شیدایی است به این و آن؟! پیامبر(ص) در میان بانوان، همواره و همیشه، تنها یک هم‌سفر، همراه و همدل داشت: بانو خدیجه. و دیگر بانوان که افتخار همسری پیامبر(ص) یافتند، به زیر سایه آن سرو والامقام زیستند، بر سفره نعمت وی نشستند، بیشتر قدر دانستند و برخی دانسته و نادانسته آزارش دادند.»

1- این شماری است که دکتر راغب السرجانی، استاد دانشگاه قاهره، بر پایه بررسی سیره پیامبر اکرم(ص) به آن دست یافته است (قصه‌الاسلام، هل اتسمت حروب النبی محمد بالدمویة). ابوالحسن ندوی، اسلام‌شناس هندی، شمار شهدای مسلمان و کشته‌شدگان مشرک را در مجموع 1081 نفر می‌شمارد. (السیرة النبویة، ص496).